

نادر ثانی:

طغیان جوانان انگلستان و خیمه‌شب‌بازان جمهوری اسلامی



طغیان جوانان انگلستان که در چند روز گذشته با تجمع در خیابانها و مقابله با پلیس خشم خود را به ویژه از خشونت‌های اخیر پلیس به نمایش گذاشتند، در ایتجا و آنجا واکنش‌های گوناگونی را به بار آورد. این طغیان بار دیگر به سردمداران جمهوری اسلامی فرصت جدیدی داد تا خود را مضحکه عام و خاص کنند. به راستی آیا می‌توان این توصیه احمدی‌نژاد به دولت انگلستان را چیزی جز وقاحتی غیرقابل‌انکار تلقی کرد که در شرایطی که با خشونت تمام مطالبات توده‌های تحت ستم ایران را سرکوب می‌کند، رو به اربابان خود در انگلستان کرده و می‌گوید: "به دولتمردان انگلستان توصیه می‌کنم حرف ملت خود را بشنوند و مطالبات آنها را بپذیرند؟" آیا می‌توان پیشنهاد "سردار" محمدرضا نقدی فرمانده سازمان بسیج مستضعفین را در رابطه با اعزام بسیجیان به انگلستان آن هم به عنوان "پاسدار صلح" را شنید و نخندید؟ بگذارید قبل از ادامه مطلب حرف این "سردار اسلام" را در این رابطه با هم مرور کنیم: "سازمان بسیج آماده است تعدادی از گردان‌های عاشورا و الزهرا (س) را به عنوان نیروی پاسدار صلح و حائل میان نیروهای سرکوبگر رژیم پادشاهی و مردم انگلیس به لندن، لیورپول و بیرمنگام اعزام کند تا ناظر بر اجرای حقوق بشر و به عنوان نیروی بازدارنده از اعمال خشونت انجام وظیفه کند." به راستی فرد بیداری را می‌شناسید که این چرندیات را بشنود و خنده‌اش نگیرد و به عقل نداشته این "سردار" "متجاوز" اسلام شک نکند؟

البته این چرندیات تنها در رابطه با شورش جوانان انگلستان نیست که طرح می‌شوند، اگر تاریخ سراسر دروغ و فریب این رژیم را مرور کنید می‌بینید که این تاریخ سرشار از همین چرندیات و حرف‌های بی‌ارزش است؛ یاوه‌هایی که نشان می‌دهند یکی از ویژگی‌های سردمداران فریبکار جمهوری اسلامی عادت ترک‌نشدنی آنها در مضحکه ساختن خود در افکار عمومی می‌باشد. برای نمونه تا مردم تونس و مصر و ... بر علیه استثمار و ستم امپریالیستها و دیکتاتورهای دست‌نشانده آنها به پا خاستند،

سردمداران جمهوری اسلامی این خیزش را به حساب "بیداری اسلامی" و ادامه "انقلاب اسلامی" گذاشتند در حالیکه همه شاهد بوده‌ایم که اتفاقا اکثریت مردم در بیشتر کشورهای عربی گرایشی به "جریانات اسلامی" نشان نمی‌دهند. اما جالب است که زمانی که آتشی که با خیزش مردم تونس شعله کشید، به سوریه هم رسید و مردم در خیابانها بر علیه دیکتاتور این کشور، بشار اسد، که یار و متحد جمهوری اسلامی است به اعتراض برخاستند، سردمداران جمهوری اسلامی به ناگاه گویی "بیداری اسلامی" مردم در کشورهای عربی را در تمامیت آن فراموش کرده و مبارزات مردم سوریه را به حساب توطئه‌های دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل گذاشتند.

گر چه روشن است که کسی برای این اراجیف تره هم خرد نمی‌کند و محل مصرف چنین خز عبلاتی در صفوف همان بسیجی‌هایی است که "سردار" نقدی پیشنهاد اعزامشان به انگلستان را داده است، اما شکی نیست که اربابان انگلیسی جمهوری اسلامی با شنیدن این پیشنهادها بیشتر از همه به خنده می‌افتند و به همدیگر خواهند گفت که نکند با بسته شدن کهریزک "سرداران" سپاه قصد دارند آنرا برای ما در لندن بر پا سازند! و هر چه بیشتر به ریش نداشته "سردار" "متجاوز" اسلام خواهند خندید که از قرار هنوز نمی‌داند که پلیس انگلستان از "راه‌چاره"‌های او به خوبی آگاهی داشته و دست امثال وی را در به اجراد آوردن این "راه‌چاره"‌ها از پشت بسته است؛ چرا که بر اساس گزارشات سازمانهای مدافع حقوق بشر در چند سال گذشته تنها حدود ۲۰۰ نفر در بازداشتگاه‌های پلیس این کشور کشته شده‌اند!

البته احتمالا اربابان "سردار" اسلام به وی نخواهند گفت که اتفاقا آنچه جرقه طغیان اخیر جوانان در انگلستان را زد کشته شدن جوان سیاه‌پوستی به نام "مارک داگان" در روز روشن در یکی از خیابانهای شمال لندن به وسیله پلیس انگلستان بود. پلیس در شرایطی به وی شلیک نمود که او را روی زمین دراز کرده و امکان هر مانوری را از وی گرفته بود! آیا با این همه لازم است که به "سرداران" "پاسداران صلح" که خون جوانان ما از دستانشان جاری است گفت که زیاد به خود نبالید، آنچه شما در این ۳۲ سال بر سر مردم ما آورده اید قرن‌هاست که "بزرگترانتان" در انگلستان بر سر مردم جهان آورده‌اند.

شنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۹۰ - ۱۳ آگوست ۲۰۱۱

Nader.sani@gmail.com – www.nadersani.net

